

میترا ائیسیم و سو شیانس مهر

پیش از ظهور زرتشت آریائیاها
خدایان مشترکی داشتند اهورا و
میترا و ارونا و ایندرا از خدایان
مشترک آریائی بودند. در
سرودهای ریگ ودا میترا و
وارونا باهم یاد شده اند و اهورا
و میترا در ردیف هم بوده اند و
در شمار آسوراها (خدایان).

بگفته هر تفسلد که از قول
نویسندگان کلیسا نوشته :

«یونانیان اهورا و میترا و آناهیتا
را اقتباس کرده و آنها را بنام
ژئوس ماکیستس، آپولون
و آتنا با همان خصایص
شناخته اند» از اینرو برخی از
مورخان قدیم گمان برده اند
ایرانیان نیز مانند یونانیان به
سه خدا عقیده داشته اند؛ همچنین



بسم

مجموعه کتبی

در میتولوژی یونان آرابس و تاتارس دوسگن که همان در جهنم هستند که پای
گناهکاران را اگر بخواهند از جهنم بیرون روند میگیرند؟

مهر پرستی در آغاز باستایش خورشید که مظهر مهر بوده آغاز شده
ازینرو گاه مهر پرستی را آفتاب پرستی و ستاره پرستی خوانده اند؛

میثره باوستائی و میترابسنسکریت و میثر و مهر به پهلوی و میشا و میسا و
مشیها و مسیهر^۱ و مهلاب و مسیحا همین واژه است در کتاب منسوب به هرودت
مهر باناهید یکی دانسته شده و اشتباه کرده است. و در کتابهای تاریخ اسلامی
شماش و شمس نیز آمده است.

استرابن جغرافیانویس یونانی در کتاب خویش نوشته: ایرانیان خورشید
را بشام میترس مینامند.

مهر را: هلیوس، آپولون، سول، سولی و میتر که از خدایان پیش از زرتشت بوده
خوانده اند. مهر بمعنی خدا، ایزد، فرشته، سروشیانس، آفتاب، محبت، عشق
ماه هفتم و روز شانزدهم هر ماه نیز آمده.

زرتشت مهر را بعنوان یکی از ایزدان پذیرفت.

در مهریشت آمده میثر دارنده دشتهای فراخ را میستائیم او نخستین ایزد
مینوی است که از فراز کوه هرا پیش از خورشید تیزاسب بیمار گسوی ماهیآید.^۲
در اوستا مهر داناترین ایزدان است^۳ میثر مظهر نیکی است و میثرادر روز
مظهر تباہکاری است.^۴ اما باید گفت درباره بشارتها درزند و هومن یسن که متن
اوستائی آن از میان رفته آمده و شرح آن درزند است. بموجب این بشارتها
که در آثار تورفانی نیز پیدا شده:

- ۱- مسیهر بارمنی و پهلوی شمالی گفته میشد و چنانکه مهر نرسی رامسیر نرسی (سردار
ایرانی) گفته اند.
- ۲- یشتها دقتریکم
- ۳- مهریشت بند ۱۴۲
- ۴- یسنای ۵۵ بند ۳

یک سو در سان (سوشیالیست یا سوشیالیست یا سوسیالیست) یا باختار (بخشیده گناهان) یار هاننده مهر را از هزاره اول پس از زرتشت انتظار ظهور داشته اند و پیش از ظهور محمد (ص) مهربان در مکه و مدینه و طائف بودند. و همه انتظار داشتند که در آغاز هزاره ای رهاننده ای خواهد آمد و بگفته باباطاهر عریان:

بهر الفی الف قدی بر آید الف قدم که در الف آمد ستم

کاوشهای تورفانی در سال ۱۹۰۰ در تون هوانگ در کان سوی، نزدیک شهر ختن آغاز شد. چنان بنظر میرسد در آغاز سده یازدهم میلادی کتابخانه ای آنجا پنهان شده باشد نخستین بار **سراورل شتاین** انگلیسی بآنها پی برد این اسناد بخط خروشتی، دیوانگاری، براهمی، سفدی، ختایی، ایغوری، پهلوی اشکانی و چینی به ۲۳ گونه خط و هفده زبان است که پنج زبان آنها ایرانی و چند خط ناشناس مانده پیدا شده است.

هنینگ انگلیسی آنها را خط مانوی خوانده و اشتباه کرده است. اما مهر در سال ۱۶۶۸ پس از رسالت زرتشت بدنی آمد.

درباره مهر باید گفت بخشی از تاریخ کلیسا با تاریخ مهر توأم است. باید دید پیش از آنکه اروپائیان عیسوی شوند چه دینی داشتند تا آن روشن نشود بخشی از تاریخ اروپا و کلیسا روشن نمیشود. این قسمتی از تاریخ است که اروپائیان از آن خوششان نمی آید و طفره میروند. آئین مهریک سده پیش از میلاد کنونی در سراسر آسیای کوچک و یونان و روم رواج داشته.

مهر در سال ۱۴۵۴ رصد زرتشت برابر ۲۷۲ پیش از میلاد ایشوع یا عیسی - ناصری ° از مادری بنام آناهیتا زاده شد (آناهیتا یعنی کسیکه لکه ندارد، ناهید نیز گفته شده) تخمه زرتشت مانند مروارید در گل نیلوفر آبی نهفته بوده است و دختری که در آب آبتنی می کرد. از آن تخمه

۵- در کتابهای مورخان اسلامی مانند تاریخ طبری و اخبار الطوال دینوری و مروج الذهب و التبه و الاشراف مسودی و عیسی آمده که یکی را چون اهل ناصره بوده ایشوع و عیسی ناصری خوانده اند.

باردار شده و مهر سوشیانس یا پیغمبر زاده میشود. مهر پرستی يك قرن پیش از میلاد در روم نفوذ یافت. نرون، تراژان، پمپه، کمد، کاراکالا، دیو کلیشین، ژولین، اورلیان، گوردیان و والرین بدین مهر بودند و نقش مهر روی سکه‌های سده اول و دویم و سوم میلادی امپراتوری روم دیده میشود. نرون را میترداد فرمانروای ایرانی ارمنستان مهری نمود (واژه میلادی یعنی میترداری و محرف آنست). دیو کلیشین شورایی فراهم آورد و دین مهر را رسمی کرد. در سال ۳۰۷ پیش از میلاد گالریوس ولی سی‌نیوس با قربانی برای پرستشگاه مهر حمایت مهر را برای روم جلب کردند.

ژولین در سال ۳۶۱ خود را فرزند مهر خواند.

بیشتر مورخان فرنگی هر جا باید از مهر پرستی سخنی گویند آنرا بت-پرستی نام می‌برند؛ و زرتشتی را آتش پرستی؛ و از بردن نام دین زرتشتی و مهری و مانئی پرهیز دارند و تندیس‌های مهر را بت خوانده‌اند؛

ورمازون هلندی مینویسد «سلسله هفت مراتب مهری در تمام امپراتوری روم معمول بود.»

بعقیده پرستندگان آئین مهر از ایران بمغرب زمین و تا کشورهای روم رفت و حتی پس از دین مهر رقیب عیسویت بود آنوقت نوشته‌اند که این دین را چند سرباز سیسیلی برم بردند؛....

مورخان ایرانی دوره اسلامی مانند ابوحنیفه دینوری در اخبار الطوال-طبری، مقدسی، مسعودی، حمزه اصفهانی در سنی ملوک الارض والانبیاء در باره دین مهر چیزی ننوشته‌اند در صورتیکه رویدادهای پیش از آن و بعد را بدقت نوشته‌اند؛ مسعودی چند جا در التنبیه والاشراف و در مروج الذهب بصائبه اشاره میکند از جمله دین امپراتوران روم را پیش از نصرانی شدن صابئی میدانند.

یعقوبی مورخ دیگر اسلامی نوشته «مطالبی هست که نوشتن آن بر من گران است»^۷

در توقیعات تقویمهای تورفانی آمده است که: خلاصه آن نقل میشود: در سال ۵۱ پادشاهی اشکانیان روز آدینه پنجم بهار مادر مهر ببارداری بشارت مییابد و پس از گذشت ۲۷۵ روز روز شنبه شب ۲۵ دسامبر در سال ۱۴۵۴ رصد زرتشت برابر ۲۷۲ پیش از زاد روز عیسی مسیح مهرزاده میشود و در هزاره یازدهم ظهور میکند. نام ماهی که مهر در آن ماهزاده میشود دیماه و در ماههای سیستانی کریشت گویند این تاریخ برابر است با ۲۷۲ سال پیش از زاد روز عیسی مصلوب و چنانکه گفته شد مفسران^۸ سوره آل عمران نیز ولادت عیسی را در سال ۶۵ ملک اسکندر و برابر ۵۱ اشکانی نهاده اند. پس برابر این حساب زادن عیسی مصلوب در سده سوم مسیحی می افتد که قرینه های دیگر از قبیل زمان حواریون عیسی مصلوب و غیره نیز این زمان را تأیید میکنند.

باین حساب عیسی مصلوب در زمان اردشیر ساسانی واقع میشود و برای این زمان دلیل های بسیار است از جمله ابوحنیفه دینوری مینویسد:

«.... داستان سرکشان (خوارج) نخستین چنین بود که یکی از حواریون عیسی نزد اردشیر بابکان آمد. اردشیر سخن او باورداشت و دین عیسی را که در روزگار او ظهور کرده بود پذیرفت و وزیرش یزدان نام نیز از شاهنشاه پیروی کرد. ایرانیان بر اردشیر خشمگین گردیدند و بر آن شدند او را از پادشاهی براندازند پس اردشیر نشان داد از آنچه پذیرفته بود برگشته ازینرو او را پادشاهی باز گذاشتند»^۹

اینک پس از این مقدمه باید گفت که پیش از مسیحیت دین شاهنشاهی اشکانی و دین امپراتوری روم و اروپا و آسیای کوچک و بخشی از چین مهری

۷- تاریخ یعقوبی دتريكم چاپ ليدن

۸- در معالم التنزيل بقشوری و تاريخ طبري و تفسير ابوالفتح رازی

۹- نقل از الاخبار الطوال ابوحنيفه داود دینوری

بوده است و بخشی از ایران زرتشتی بوده‌اند. در سال ۵۳۹ میلاد مسیح اردشیر بابکان و بزرگان ایران بر آن شدند دین مهر را براندازند.

از نوشته‌های تورفانی چنین برمی‌آید که مسیح اول مردم را به بودا و زرتشت^{۱۰} دعوت میکرد و در گفته‌های او بشارت ببرخان (مانی) و منواحمد - وزرک (احمد بزرگوار) دیده میشود.

سید مرتضی بن داعی در تبصرة العوام نوشته عیسی علیه الاسلام خلق را بزرگوار دعوت میکرد. در تاریخ کلیسا دسته‌های بسیار می‌بینیم که عقیده به عیسی مصلوب و حواریون ندارند.

صلیب در دین مهر نشانه اتفاق مردم چهارسوی جهانست و شاخه‌های آن برابر بوده و بعد مسیحیت آنرا گرفته و پایه آنرا کشیده بشکل دار درست کرده‌اند. بسیاری از رسوم و آداب امروزی دین عیسوی از مهر پرستی گرفته شده و هنوز برجاست از روز تولد مهر و روز یکشنبه همه از مهر پرستی گرفته شده‌است. بعقیده شادروان پورداود: «صلاح مسیحیت در آن بود که عادات و رسوم دین

مهر را که در قرون متمادی در روم ریشه دوانیده بود بپذیرد»^{۱۱}

مراحل هفتگانه دین مهر عبارتست از: کلاغ (پرنده، تیزرو) نمان، سپاهی؟ شیر، پارسا، پیک آفتاب و پیر و این نشانه‌ها و اشارات در بسیاری جاها دیده میشود و چنین است کلاه شکسته مهری که هنوز کلاه اسقف‌ها را میترا میگویند.

۱۰ - زاد روز زرتشت برابر حساب‌های دقیق پس از هزاره دهم سال ۱۷۶۷ پیش از میلاد بوده و در سال ۱۷۲۵ پیش از میلاد هنگامیکه چهل و دو سال و پنجاه و پنج روز از زندگانی زرتشت میگذشت در نیمروز رصد نموده است که اساس حسابهای نجومی و تاریخ بر آن مبتنی است (تقویم و تاریخ در ایران از استاد بهروز دیده‌شود)

۱۱ - ادبیات مزد یسنی

برای این مراحل هفتگانه مهری شستشولازم است : « شستشوئی کن و آنکه بخرابات خرام »

مراحل عرفانی هفت شهر عشق و مقامات سلوک و هفت خط جام جم همه نشانه‌های مهری است نام «درمهر» یا «برمهر» بمعنی درگاه مهر برای آتشکده از یاد گارهای مهری است که هنوز به آتشکده زرتشتیان میگویند.

مهرشکست ناپذیر و نیروورسان بوده و مردم را از تشنگی میرهانده است. پرستشگاه مهر را مهربه، میتران، مهران، خورآباد و خرابات و میترا نوم خوانده‌اند که روبه تابش مهر بسامدای گشوده میشده از اینرو هنوز به آتشکده درمهر گویند و پیشوایان مهری را گاه مغ خوانده‌اند. سه پادشاه اشکانی نام مهر و مهرداد و میترداد داشته‌اند اشک ۶-۹-۱۲ و این يك نام دینی است. پلوتارخ مینویسد در سال ۶۷ پیش از میلاد مردم غرب و رومیها با آئین مهر آشنا شدند در کتاب «گینزار با» کتاب بزرگ مندائیهامسیح راهشها گفته‌اند و مسیحا نام مهر است که در ادبیات ما بسیار وارد شده :

حافظ در چند غزل اشارات کامل به مهر و مهرپرستی دارد ۱۲ . از جمله :

یاد باد آنکه نهانت نظاری با ما بود رقم مهر تو بر چهره ما پیدا بود

یاد باد آنکه نگارم چو کله بشکستی در رکابش مه نو پیک جهان پیمان بود

یاد باد آنکه خرابات نشین بودم و مست و آنچه در مسجدم امروز کمست آنجا بود

که در این غزل رقم مهر و کلاه شکسته، پیک جهان پیمان و خرابات همه نشانه‌ها و مقامات و اشارات مهری است. اهمیت و نفوذ دین مهر در اروپا و دین عیسی باندازه ای است که گاهی پژوهندگان غرب بو حشت افتاده و خواسته‌اند مهر را که سوشیانس و پیغمبری بوده که اینهمه در جهان و مسیحیت اثر گذاشته از زمین

۱۲- حافظ در سیر و سلوک که در مقدمه متن انتقادی حافظ یکتایی سال ۱۳۲۸ نگاشته

و انتشار یافته است دیده شود .

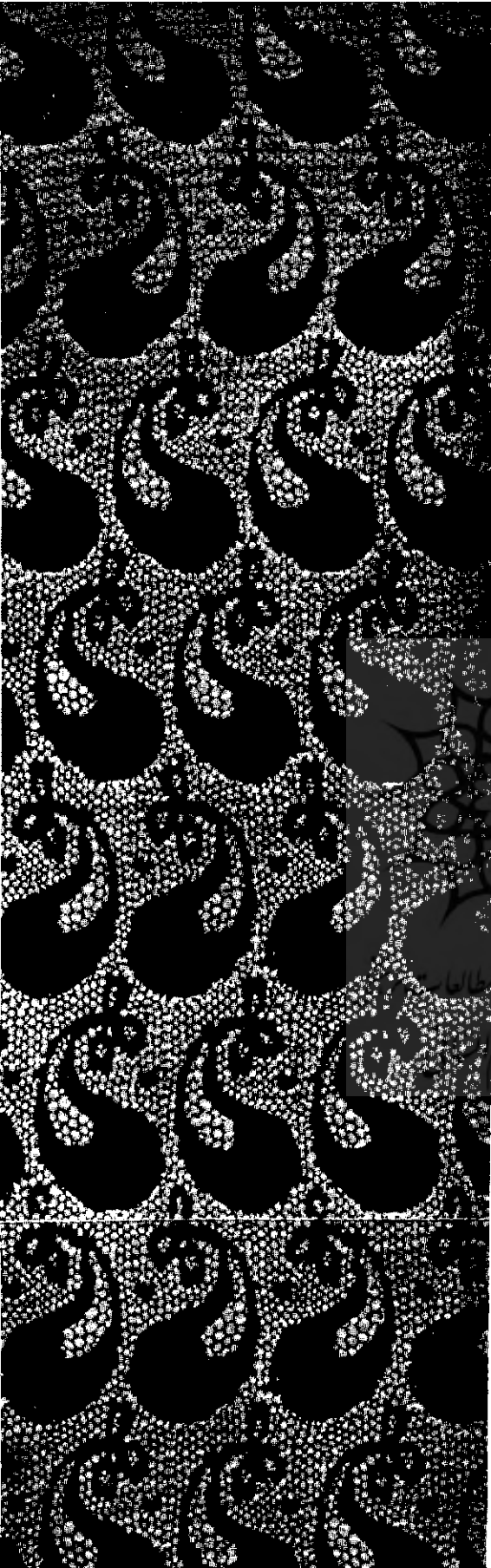
برداشته به آسمان برده و در شمار خورشید و ستارگان در آورند... و حتی از بردن نام آن پرهیز داشته نامهای آپولون، میترا، آفتاب و خورشید را بجای مهر گذاشته اند و شگفت آنکه برخی از مترجمان و مورخان ایرانی نیز ازین رویه پیروی کرده اند.

من در بیشتر کتابها و موزه‌ها از جمله موزه‌های تاریخی تاشکند، دوشنبه، ایروان، تفلیس، ارمیتاژ لنین گراد و لوور دیده‌ام که بجای مهر پرستی بت پرستی و ستاره پرستی و آفتاب پرستی بکار برده اند و بجای زرتشت و دین مزدیسنی آثر پرستی و نامهای دیگر بکار برفته است. و بجای پرستشگاه مهر که نام آن میتران و مهرابه است آنرا معبد آفتاب و معبد آپولون و معبد ناهید (نام مادر مهر) و مانند آن نامیده اند که از آن متوجه مهر و پرستشگاه او نشوند که هزاران مهرابه تنها در سراسر اروپا پیدا شده و تنها در شهر رم بیش از یکصد کلیسا یافته اند که روی مهرابه ها بنا شده است.

چون پیغمبر مهر بانفوذ جهانگیر دینی که عرضه داشته از عقاید پیش از خود مانند میترائیسم و عقاید زرتشتی و بودائی استفاده کرده چنانکه در دین مزدیسنی مهر در شمار ایزدان آمده و مهریشت یکی از زیباترین یشت‌هاست که بیش از او آمده گروهی خواسته اند ازینراه نیز خلط مبحث کرده مهر را گاهی از خدایان و زمانی آفتاب و خورشید و ستاره و وقتی ایزد و فرشته نشان دهند تا توجه به مهر سوشیانس و مهر دین آور کمتر پیدا شود.

احتمال دیگر آنست که چون تاریخ یونان بیشتر آمیخته با افسانه خدایان است و پیش از دین مهر در یونان و روم میترائیسم پیشینه داشته ازینرو برخی از پژوهندگان غربی و نویسندگان دانسته و ندانسته اشتباه کرده مهر و اثرهای آنرا با میترائیسم آمیخته اند.

در نتیجه باید توجه داشت که هر جا گفتگو از مهر یا نامهای مختلف آن است باید از اهمیت مهر سوشیانس که یکی از پیشروان بزرگ ادیان بوده است غافل نشد.



روابط ایران و هلند

از

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم

خانبابا بیانی

(دکتر در تاریخ)



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

روابط ایران و هلند

در زمان صفویه

سفارت موسی بیک

شاه عباس کبیر چون دست
پرتغالیها و اسپانیاییها را از
سواحل و آبهای خلیج فارس
کوتاه کرد، در تعقیب و اجرای
سیاست اقتصادی خود لازم دید
برای حفظ ارتباط و مناسبات
بازرگانی ایران با دنیای غرب
و خنثی کردن عملیات دولت
امپراطوری عثمانی در خلیج
فارس، یعنی شاهراه حیاتی
بازرگانی ایران، دوست و متحد
دیگری از میان ملل اروپائی که
بیشتر بنفع وی باشد پیدا کند.
تصادفاً هلندیها که در این زمان
پس از تصرف قسمتی از هندوستان
شرقی و طرد پرتغالیها از این
نواحی، بفکر افتاده بودند از
راه خلیج فارس بسا دولت ایران

خانبا با بیانی

(دکتر در تاریخ)

« استاد تاریخ دانشگاه تهران »

در روابط بازرگانی و اقتصادی داخل شده در سواحل دریای مزبور مراکز و پایگاههای بازرگانی برای خود تأسیس نمایند، منظور و هدف شاهنشاه ایران را عملی ساخت.

هلندیها، که بواسطه وضع جغرافیائی کشور خویش، در ارتباط با دریاهای بودند و افتخار میکردند که « فرزند ارشد اقیانوس بوده در پناه آن اهمیت و اقتدار و ثروت سرشار یافته اند، با وجود اینکه سالهای متمادی در قید رقت امپراطوری هابسبورگ اسپانیا میزیستند، خود را در پهنه اقیانوسها انداخته بکار صید ماهی و داد و ستد مشغول شدند. تعداد کشتیهای بازرگانی آنان روز بروز روبه افزایش میرفت و به این وسیله انواع کالاها را از نقاط مختلفه جهان وارد کرده در بازارهای اروپا بفروش میرساندند.

در سال ۱۵۹۴ میلادی هلندیها برای پیدا کردن راهی از سمت شمال به مشرق زمین و مخصوصاً به هندوستان در دریای شمال بعملیات پرداختند^۱ و در نتیجه موفق شدند مراکز بازرگانی و اقتصادی در نزدیکی قطب شمال در شبه جزیره اسکاندیناوی تأسیس نمایند. ولی انتشار گزارشهای مسافرتی یکی از جهانگردان هلندی بنام لینشوتن دوهارلم^۲ که در سال ۱۵۸۳ میلادی به همراهی رئیس روحانی پرتغالی بند گوآ^۳ به هندوستان رفته بود، رفت و آمد به آن کشور را از طریق افریقای جنوبی معمول و متداول کرد. در سال ۱۵۹۵ هلندی دیگری بنام کورنلیز فان هوتمن^۴ که در خدمت دریا نوردان پرتغالی بود از شرکتی که در آمستردام با اسم « شرکت سرزمینهای دور »^۵ تشکیل شده بود، چهار کشتی و شصت عراده توپ و دو بیست و پنج نفر ملاح گرفته از راه

۱- برای احتراز از برخورد با پرتغالیها و اسپانیائیها و انگلیسها که در این زمان در اقیانوسها تسلط کامل داشتند.

2— Linschoten de Haarlem.

3— Goa.

4— Cornelisz Van Houtmen.

5— Compagnie des pays lointains.

آفریقای جنوبی بجناب مشرق عزیمت نمود. هومن پس از گذشتن از ماداگاسکار و مالاکا و جزایر سونده‌جاوه رسید و پس از دو سال مسافرت و گذرانیدن روزهای سخت و دشوار به هلند مراجعت کرد و اطلاعات مفیدی از مسافرت خود به ارمغان آورد.

دسته‌ای دیگر از کشتی‌ها توسط شرکت بازرگانی آمستردام و زلند در زیر فرماندهی اولیویه فان نورت^۶ از طریق خط مسافرتی ماژلان و جزایر ملوک عزیمت دور دنیا را کرد و پس از سه سال مسافرت به هلند بازگشت (۱۶۰۰-۱۵۹۸). مسافرت این دو دریانورد به هلندیها ثابت کرد که انحصار بازرگانی ادویه و طلا از دست پرتغالیها و اسپانیاییها خارج شده هلندیها با تفوقی که در نیروی دریایی پیدا کرده‌اند میتوانند جانشین آنها بشوند. هلندیها در اواخر قرن شانزدهم میلادی بیش از ده هزار کشتی و صد و شصت هزار ملاح داشتند و سود سالیانه آنان بالغ بر بیست ملیون فلورن (واحد پول هلندی) شده حدود پیشرفتشان تا زاپن و آنام رسیده بود.

هلندیها با در اختیار داشتن تقریباً تمام کشتی‌هایی که در سواحل اروپا در حرکت بودند توانستند بازرگانی بیشتر نواحی مرکزی و شمالی اروپا را بخود منحصر نمایند. از طرف دیگر طولی نکشید که بازارها و داد و ستد امریکای جنوبی و حتی کشور اسپانیا، که خود تابع آن بودند، بدست آنان افتاد. بازرگانان هلندی با صندوقهای مملو از طلا و نقره و سایر کالاهای قیمتی بکشور خویش مراجعت میکردند. آمستردام و روتردام بزودی جای لیسبون را در پرتغال و بندر آنورس^۷ را در پی‌بای جنوبی (بلژیک) گرفت و از مهمترین بنادر آن زمان اروپا گردید. تمام این ثروت سرشار مرهون قدرت اعتباری و در اختیار داشتن قسمت اعظم فلزات قیمتی و ایجاد پشتوانه اوراق بهادار در بانکها و رواج اسکناس، بوسیله هلندیها بود. بانک آمستردام انواع و اقسام پولها

6— Olivier Van Noort.

7— Anverse.

واوراق بهادار و چکها و سفته‌های تمام کشورها را می‌پذیرفت و مورد معامله قرار میداد. بانک مزبور در سال ۱۶۶۰ بزرگترین قدرت مالی آن زمان را در سراسر جهان تشکیل داده قوانین مالی و معاملات خود را بتمام بانکهای بین‌المللی تحمیل میکرد.

هلندیها بر خلاف ملل استعمارگر اروپا مانند پرتغالیها و اسپانیاییها و انگلیسها به اشغال سیاسی و نظامی اراضی جدید اعتنائی نداشتند بلکه هدف آنان بیشتر انحصار بازرگانی نواحی اشغالی بود و اگر مراکز و پایگاههایی در آن سرزمینها ایجاد میکردند فقط برای تمرکز و انبار کردن کالاها و توزیع آن در داخله کشورها و استفاده از منابع و ثروت آن نواحی بود. چون وضع اداری و سیاسی هلند با سایر کشورهای اروپائی تفاوت داشت برای درك تناسبات و روابط سیاسی و دیپلوماسی این کشور با سایر دولتها لازم دید برای روشن شدن ذهن خوانندگان گرامی بشرح مختصری از تشکیلات سیاسی و روش حکومت ایالات متحده هلند مبادرت ورزد.

جمهوری هلند را میتوان حکومتی ائتلافی از دولتهای مستقل دانست. تعدادی از ایالات بدون داشتن سرحدات دقیق بناهای: گلدرا،^۸ هلند، زلند،^۹ اوترخت،^{۱۰} فریز،^{۱۱} اورایسل^{۱۱} و گرونینگ^{۱۲} تشکیل ایالات جمهوری هلند را میدادند که غیر از اتحادیه اوترخت^{۱۴} هیچگونه علاقه و پیوندی ایالات

8— Gueldre. 9— Zelande. 10—Utrecht. 11—Frise.
12—Ouerysse. 13—Groningue.

۱۴- اتحادیه اوترخت Union Utrecht که بوسیله ژان دوناسو استاد هودر برای دفاع در برابر اقدامات سیاسی و نظامی دولت اسپانیا که در صدد بود نهضت استقلال طلبی هلندیها را منکوب نماید، تشکیل گردید (ژانویه ۱۵۷۹). اتحادیه مقرر میداشت:

- ۱- فراهم ساختن مقدمات برای استقلال جمهوریهای ایالات متحده
- ۲- ادامه جنگ بر علیه سیاست فیلیپ دوم پادشاه اسپانیا
- ۳- حفظ و نگاهداری تشکیلات قدیمی و تثبیت قدرت دولتهای جمهوری
- ۴- برقراری آزادی عقیده و مذهب در هر يك از ایالات

مزبور را بیکدیگر پیوند نمی‌داد. ولی بعد ها همین مقررات بصورت قانون اساسی برای تمام ایالات جمهوری هلند درآمد.

ایالات جمهوری بوسیله مجلس شورای طبقاتی ۱۵ که از نمایندگان ایالات تشکیل میشد، اداره میگردد. اختیارات این مجلس بسیار محدود بود زیرا ایالات جز در سیاست خارجی تماسی با یکدیگر نداشتند و اتفاقاً در همین موضوع بود که قدرت مجلس طبقاتی به حد کمال رسیده بود. عقد معاهدات و تشکیل اتحادیه‌های سیاسی و نظامی و دادن دستورات به سفرا و تنظیم مبانئ مذاکرات سیاسی و دیپلوماسی و تعیین تعداد نفرات ارتش و نیروی دریائی و انتخاب فرماندهان ارتش همه از اختیارات مجلس مزبور بود.

در مجلس طبقاتی، هر ایالت دارای یک رأی بود و تصمیمات باتفاق آراء گرفته میشد و قبل از اتخاذ تصمیم نمایندگان موظف بودند قبلاً نظر و موافقت ایالت و یا انجمن شهر حوزه انتخابی خود را جلب نمایند و مجلس نمیتوانست ایالات را به تبعیت از آراء اکثریت مجبور نماید. اشکالات اخذ تصمیم قطعی بهترین وسیله برای سفر او مأمورین خارجی بود که نمیتوانستند با دادن رشوه به اسرار دولتی آگاه شوند و در مواقع ضروری و لازم نفوذ و عقاید خود را تحمیل نمایند. در حقیقت باید گفت که استقلال کامل در ایالات جمهوری در معنی وجود نداشت و ارتباط و پیوستگی آنها با یکدیگر علاوه بر اتحادیه او ترخت بیشتر از اشتراک منافع بود که در اثر منافع اقتصادی و وحدت زبانی و مخصوصاً توحید مذهب (کالونینسم)، که در تمام ایالات ریشه دوآیند، رائج شده بود، بوجود آمده بود. دو ایالت هلندوزلند که نصف جمعیت جمهوری را شامل و دارای بیست شهر مهم بود از سایر ایالات تواناتر و حکومتی مخصوص بخود (حکومت ملی) و مذهب رسمی (کالونی) داشتند و طبقات اشراف و ملاکین و بازرگانان بر سایر طبقات حکومت کرده بد آنها برتری

و مزیت خاص داشتند. علاوه بر مجلس طبقاتی شخص دیگری بنام «استاد هودر»^{۱۶} که قبل از اعلام استقلال بنام فرمانروای اسپانیا در پی باحکومت میکرد و پس از آن بعنوان نایب السلطنه، بدون اینکه پادشاهی باشد، زمام امور را در دست داشت. فرماندهی کل قوا و صدور فرمان عفو عمومی و عزل و نصب قضات از اختیارات وی بود. و در حقیقت میتوان گفت که زمامدار مطلق و مختار ایالات جمهوری بشمار می‌آمد.

در مقابل مقام استاد هودری مقام دیگری وجود داشت بنام «رادپانسیوناریس»^{۱۷} هر ایالت دارای مشاور حقوقی مخصوص بخود بود که در مجامع و شوراهای دولتی سمت ریاست را داشت، از میان مشاوران حقوقی سایر ایالات مشاور حقوقی هلند که در ضمن نمایندگی آن ایالت را در مجلس طبقاتی داشت، مهمتر و برجسته‌تر از دیگران بود که بلافاصله پس از تشکیل جمهوری و اعلام استقلال، مرکز ثقل سازمان اداری دولت قرار گرفت. مذاکرات سیاسی و روابط با دولتهای خارجی بعهده وی بود.

در اوایل قرن هفدهم جمهوری هلند مقام شامخی را در میان دولتهای معظم اروپا مانند فرانسه و امپراطوری آلمان و کشورهای اسکاندیناوی و انگلیس، دارا بود و بایک یک آنها ارتباط سیاسی و اقتصادی داشت.

از آغاز قرن هفدهم میلادی دسته‌ای از مسافران هلندی در دربار پادشاهان صفویه در رفت و آمد بودند که بیشتر صنعتگر و از این جهت طرف توجه شده بودند. یکی از آنها نقاشی بود بنام ژان لوکازون فان هاسلت^{۱۸} که سالهای متمادی در دربار شاه عباس بسر برده خدمات شایانی برای تسهیل کار هم‌میهنان خود انجام داده بود. هلندیها که کشور ایران را بازار مهمی برای فروش کالاهای هندوستان دیده بعلاوه با اهمیت ابریشم آن پی برده بودند در صدر

16—Stadhouder.

17—Raad-pensionaris.

18—G. L. Van Hasselt

بر آمدند بوسائل ممکنه بمقصود خویش نایل آیند و چون در موقع جنگهای ایران و پرتغال به نیروی دریائی انگلیس، متحد ایران، بافرستادن چند ناو کمک کرده بودند، باین بهانه از دربار اصفهان تقاضا نمودند که ایشانرا نیز در بازار گانی ایران و مخصوصاً در معاملات ابریشم، بادولتهای دیگر شریک سازد، شاه عباس هم چون در این زمان در گیر و دار جنگ با عثمانیها بود از نظر جلب متحدی دیگر بدون تردید پیشنهاد هلندیها را با دادن امتیازات چندی پذیرفت. کار پیشرفت هلندیها در ایران بجائی رسید که سر توماس روه ۱۹ سفیر انگلیس در دربار اصفهان، نامه ای در تاریخ ۱۶۱۷ به شرکت هند انگلیس به این مضمون نوشت: « رفتار و اقدامات هلندیها که در صدور به حقوق ما تجاوز نمایند غیر قابل تحمل شده است».^{۲۰}

شرکت بازار گانی هند هلند چون موقع خویش را در دربار شاهنشاه صفویه استوار دید مصمم شد مراکزی در بندر عباس و در اصفهان برای امور بازار گانی خود تأسیس نماید به این قصد سفیری بنام هوبرت ویسنیج^{۲۱} به اصفهان فرستاد. ورود این سفیر مصادف شد با پیروزی شاه عباس در جنگ با عثمانیها و طرح بیرون کردن پرتغالیها از خلیج فارس. پادشاه ایران با کمال گرمی و مهربانی از سفیر هلند پذیرائی نمود و حتی حاضر شد با پیشنهاد سفیر با وجود مخالفت شدید انگلیسها و طرفداران آنها در دربار معاهده ای مبنی بر آزادی اتباع و بازرگانان هلندی در ایران و با دادن امتیازات چندی از جمله واگذاری انحصار ابریشم به آن دولت با او امضاء نماید. (۲۱ نوامبر ۱۶۲۳ میلادی - ۱۰۳۳ هجری قمری).

19- Sir Thomas Roe.

20-Wilson (A. T.) *Golfe Persique, trad. persane.* p. -128 .

21-Huybert Visnich.

متن معاهده به این قرار است: ۲۲

- ۱ - اعلیحضرت به اتباع و بازرگانان هلندی اجازه میدهد که در سراسر خاک ایران رفت و آمد کرده آزادانه بداد و ستد مشغول باشند.
 - ۲ - هلندیها مجبور نیستند کالاهائی که مایل نیستند خریداری نمایند و اجازه دارند هر نوع امتعه‌ای را که بخواهند بخرند یا بفروشند.
 - ۳ - هلندیها از حقوق و عوارض گمرکی اعم از واردات و صادرات معافند (به استثنای حقوق راهداری)
- تبصره: ولی به آنها اجازه داده نمیشود بیش از مقدار احتیاج کالا وارد یا خارج نمایند.
- ۴ - مال التجاره و اموال هلندیها را نمیتوان چه در موقع ورود و چه در هنگام صدور در گمرکخانه‌ها متوقف ساخت. هلندیها اجازه دارند آزادانه با اموال خود بهر کجای کشور که مایلند در رفت و آمد باشند.
- تبصره: احدی حق ندارد کالاهای وارده و صادره هلندیها را به استثنای کالاهای ممنوعه توقیف نماید.
- ۵ - هلندیها اجازه دارند واحد وزن و مقیاس و اندازه معمول در کشور خود را در موقع داد و ستد بکار برند.
 - ۶ - زمانیکه یکی از اتباع هلندی بدون گذاشتن وارث و یا داشتن همراهی از اتباع هلندی در خاک ایران فوت نماید فرماندار محل موظف است داری او را نگاهدارد تا زمانیکه یکی دیگر از هلندیها به جانشینی او انتخاب شود یا مأموران رسمی شرکت هلند آن داری را مطالبه نمایند که در این صورت فرماندار محل موظف است تمامی آن اموال را به آنان تحویل دهد و اگر در هنگام فوت از اتباع هلندی در آن محل باشد تمام اموال متوفی بوی تحویل خواهد شد.

22- L'histoire de la Compagnie des Indes Orientales en Perse. T. 27.

p. 679 et suiv.

- ۷ - اعلیحضرت وعده خواهند فرمود که کالاها و ائاثه سرقت شده هلندیها و یا اتباع ایشان در خاک ایران از طرف دولت جبران شود .
- ۸ - هیچگونه اشکالی برای کرایه کردن شتر و قاطر و سایر چارپایان از طرف مأمورین دولت ایران برای هلندیها فراهم نخواهد شد ، بعلاوه تمام کاروانها موظفند کرایه حمل و نقل را به بهای متداول و معمول در کشور از هلندیها دریافت دارند .
- ۹ - مأموران هر محل موظفند برای هلندیها وسائل سکونت و خواربار و سفر را فراهم آورند و در صورت لزوم عده‌ای نگاهبان برای محافظت آنان در اختیارشان بگذارند .
- ۱۰ - خانه‌ی اتباع هلندی در ایران از هر گونه آزادی برخوردار است و احدی حق ندارد بدون اجازه وارد خانه‌های آنها بشود و در صورتیکه کسی بخواهد بزور داخل شود هلندیها اجازه دارند در مقابل تعرض از خود دفاع نمایند .
- ۱۱ - هلندیها حق دارند برای خود در خاک ایران کلیسا و معابد ایجاد نمایند .
- ۱۲ - هلندیها حق دارند بردگان مسیحی را خریداری نمایند مشروط بر اینکه بندگان مزبور از اتباع مجلس طبقاتی ایالات جمهوری نباشند .
- ۱۳ - اگر یک نفر هلندی بدین اسلام گروید مأموران هلندی حق دارند او را توقیف کرده اموالش را ضبط نمایند .
- ۱۴ - در صورتیکه یک نفر هلندی مرتکب جنایت و قتل بشود ، مجنی و قاتل و مقتول از هر ملت باشد ، مرتکب از طرف رؤسای مربوط بخود محاکمه خواهد شد .
- ۱۵ - اگر یک نفر هلندی مرتکب خلاف منافی عفت شود از طرف رؤسای مربوط بخود محاکمه خواهد شد .

- ۱۶- هلندیها حق دارند در محله آرامنه گورستانی برای خود احداث نمایند
 ۱۷- مترجمان هلندیها دارای تمام حقوق اتباع هلندی میباشند .
 ۱۸- مستخدمین هلندیها از هرملتی اعم از ایران ، ارمنی ، یهودی و
 بنگالی که باشند از هرگونه تعرض در امان هستند .
 ۱۹- اگر در آبهای متعلق به ایران کشتی از هلندیها غرق شد استناداران
 و مأموران محلی موظفند لوازم و کالاهائی که از غرق نجات یافته حفاظت
 نمایند و عین آنها را بدون تقاضای جبران به مأموران هلندی تحویل دهند .
 ۲۰- هلندیها حق دارند اسب و سایر چارپایان را از ایران خریداری و
 صادر نمایند .
 ۲۱- مال التجاره های وارده بوسیله هلندیها در زمان انعقاد معاهده (۱۶۲۳)
 در شیراز و جزیره هرمز از تمام حقوق گمرکی معاف خواهد بود .
 ۲۲- راهداران حق ندارند از هلندیها مالیات راهداری مطالبه نمایند .
 تبصره : هلندیها اجازه دارند انواع کالاها را به استثنای اسب و سایر
 اجناس ممنوع الورود که قبلاً باید برای ورود آنها کسب اجازه نمایند، وارد خاک
 ایران نمایند .
 ۲۳- اگر سفیری از جانب دولت هلند برای گرفتن بعضی امتیازات به
 ایران بیاید اعلیحضرت وعده خواهند فرمود در صورتیکه تقاضاهای او مجاز
 باشد ، موافقت فرمایند .
 پس از انعقاد معاهده که مفاد آن تماماً بنفع هلندیها بود و پادشاه ایران
 بنام مصالح سیاسی با آن موافقت کرد ، مجلس طبقاتی هلند نامه ای مبنی
 بر اظهار تشکر به این مضمون برای شاه عباس فرستاد : ۲۳
 «پادشاه با اقتدار و پادشاه پیروزمند .»
 «قادر متعال چنین خواست که سلاحهای ماعلیه دشمنانمان بکار بیفتد .»

پیوسته در صد این هستیم که با همسایگان و پادشاهان و فرمانروایان سرزمین-های دوردست روابط و مناسبات دوستانه برقرار نماییم. بسیار جای خوشوقتی است که توانستیم با موفقیت دوستی آن اعلیحضرت را برای خود بدست آوریم.» «با کمال خوشوقتی بوسیله مدیر کل امور هند شرقی اطلاع یافتیم که بازرگانان ما مقیم باتاویا اجازه دارند از بنادر متعلق به اعلیحضرت شاهنشاهی دیدن نمایند.

«با کمال مسرت شنیدیم که اعلیحضرت موفق شدند دشمنان خود را از سرزمین های ایران طرد کرده جزیره هرمز که نهایت اهمیت را برای بازرگانی کشور شما دارد، از دست آنان بیرون آورند و به عقد معاهده ای که بنفع هر دو ملت است موافقت نمایند. عظمت و افتخار و پیروزی بردشمنان را برای آن اعلیحضرت خواستاریم. از آن اعلیحضرت استدعا داریم اجازه فرمایند اتباع و بازرگانان ما آزادانه و با اطمینان در کشور شما زندگی کرده بداد و سند مشغول باشند و از تمام مزایای معاهده استفاده نمایند و از آن برخوردار باشند...»

شاه عباس با کمال حسن نیت با تمام تقاضاهای هلندیها به امید اینکه بتواند متحدی از این راه بدست آورد موافقت نمود و برای جلب دوستی و استحکام بیشتر روابط بین دو لنین تصمیم گرفت سفیری به هلند بفرستد بهمین مناسبت یکی از درباریان خود را بنام موسی بیگ با دستوراتی روانه لاهه پایتخت هلند کرد. سفیر ایران در ۹ فوریه ۱۶۲۶ (۱۰۳۶ هجری قمری) به لاهه رسید و طبق فرمان شاه عباس با مجلس طبقاتی داخل در مذاکره شد و پیشنهادات دولت ایران را ضمن نامه ای بقرا ذیل تقدیم آن مجلس کرد:

«پادشاه ایران از مجلس طبقاتی تقاضا می کند که به اسرع اوقات سفرا و نمایندگان سیاسی و اقتصادی خود را از امپراطوری عثمانی خارج سازد. زیرا هلندیها بهیچوجه در امپراطوری مزبور آزادی عمل ندارند در حالیکه در ایران میتوانند با آزادی کامل به کسب و کار خود مشغول باشند.

« شاه به هلندیها اجازه خواهد داد در تمام کشور ایران آزادانه رفت و آمد نموده ببازرگانی اشتغال ورزند .

« پادشاه ایران بدولت هلند خاطر نشان مینماید، بواسطه حفظ منافع هلندیها در خلیج فارس بادولت و پادشاه اسپانیادر جنگ داخل شده جزیره هرمز و بندر گمبرون و جزیره قشم را از دست آنها بیرون آورده است بنابراین اجازه می دهد که کشتیهای هلندی آزادانه در خلیج فارس رفت و آمد نمایند .

« چون هنوز بعضی مواقع در خلیج فارس مانند مسقط و لارک و غیره در دست اسپانیائیها باقیمانده و از این راه ممکن است به بازارگانی و منافع هلندیها لطمه وارد آید، دولت ایران حاضر است باهمان شرایط که با انگلیس ها برای گرفتن هرمز معاهده بسته است، بادولت هلند نیز قرارداد ای امضا نماید و بکمک یکدیگر از راه خشکی و دریا مواقع و استحکامات مزبور را از تصرف اسپانیائیها خارج نماید .»

عین نامه موسی بیک بخط خود او حاوی پیشنهادات دولت ایران مضبوط در آرشیو مجلس طبقاتی در لاهه ۲۴ باتمام اغلاط املائی و انشائی آنرا ذیلا متذکر میشود:

« واجب العرض بنده کمتربین موسی .

« اول بعرض میرساند که مدعای نواب اشرف اقدس ارفع که هزار جانی گرامی فدای نامش باد آنست که قونسرهای (قنسولها) خود را و دادوستد را از ولایت روم (عثمانی) بر طرف نمایند و هرچکه در اولکای ایشان میخرند از ولایت ما میروود درینجاها خرید و فروخت نمایند و مقرر نمایم که هرچکه ایشان خرید و فروخت کنند اول مردومی ایشان و بعد از آن مردومی ما خرید نمایند و هرمت (حرمت) و عزت ایشانرا تا قایت (غایت) در این ولایت چه قدر کرده اند بعد ازین پیشتر کنند و عمرای (امرای) عظام را سفارش نمایم که در

هرجا و هر مکان که روند خدمت و عزت ایشانرا بجا آورند و بعد ازین نوعی سلوک شود که در مابین ما و ایشان جدای در میانه نباشد.

« دیگر بعرض میرساند که چند سال شد که میانی ما و پادشاه پرتگال نزاع و جنگ است و هر مرزا با چند قلعی (قلعه) از ایشان ستاده ایم و میخاهم (میخواهم) که پاو آمد و رفت ایشان را ازین ولایت بر طرف نمایم و باشما و مردومی شما دوستی و یگانگی در میانه شود که تاروزی کارها (روز گارها) بماند و قلعی (قلعه) مشکست (مسقط) و لارک و غیره که درینجاها دارند بایتفاق (باتفاق) شما از دست ایشان بگیریم نوعی که باجماعت انگلیس در هر مرز قراردادیم با ایشان نیز بهمان طریق سلوک نموده شود و اگر دادوستدی شما از هندوستان نیز بر طرف شده در هر مرز خرید و فروخت کنند که در زمان پرتگال جمعی (۴) هند و پارس و روم و غیره بود باز بهمان طریق شود بلکه دیگر بیشتر خواهد (خواهد) شده و بحصب (بحسب) تقدیری ایلاهی (الهی) چنین شده است که هر کسی که دوشمن ماست و دشمن ایشان نیز شده است و آنچه لایق دولت باشد در مابین بعمل میباید آورد نوعی که بخاطری مبارک رسد جنان نمایند و امروزه علی... تذکاریه موسی بیگ در تاریخ ۲۶ آوریل ۱۶۲۶ تسلیم مجلس طبقاتی شد ولی مجلس جواب آنرا موکول به مشورت و باظهار نظر مدیران شرکت بازرگانی هند شرقی نمود. پاسخی که قرار شد به سفیر ایران داده شود به این مضمون بود :

« مأموریتی که آن مجلس عظمی در تعقیب پیشنهادات سفیر ایران در تاریخ ۲۶ آوریل به مدیران شرکت هند شرقی داده اند پس از بحث و بررسی کامل، به این نتیجه رسید که مدیران شرکت معتقدند که پیشنهادات مزبور بهیچوجه منافی را برای شرکت در بر ندارد زیرا مدتی پیش معاهده ای با دولت ایران منعقد شده است که دارای امتیازات کافی بوده و نظرات شرکت را دقیقاً تأمین مینماید و در خصوص احضار نمایندگان و مأموران هلندی از ترکیه نمیتوان

جوابی داد زیرا این مسئله بهیچوجه ارتباطی باماهیت امر ندارد، اما در باره دخالت نظامی، شرکت رسماً اعلام میدارد علاوه بر اینکه دخالت در جنگ فوق العاده دشوار و متضمن مخارج هنگفتی است از نظر سیاسی و اقتصادی هیچگونه منفعی را برای شرکت نمیتوان در آن منظور داشت»^{۲۵}

جواب مجلس طبقاتی سفیر ایران را ناامید نکرد و در مراحل مختلف در صدد برآمد بلکه بتواند نظر موافق مجلس طبقاتی را در قبولاندن پیشنهادات دولت ایران، جلب نماید. در آرشیو لاهه اسناد فراوانی که حاکی از طولانی شدن مذاکرات بین دولت هلند و سفیر ایران است وجود دارد ولی متأسفانه بواسطه عدم اطلاع و آشنائی موسی بیک بزبان هلندی و در اختیار نداشتن مترجم واردی که بتواند مراسلات و مذاکرات را برای سفیر ترجمه نماید، مأموریت ویرا بدون نتیجه گذاشت. این جانب چندین فقره از این اسناد را که در ذیل هر یک از آنها موسی بیک باخط خود اذعان به نفهمیدن مطالب نامهها کرده است از آرشیو لاهه عکسبرداری نموده ام که عین متن نوشتههای او را ذیلا متذکر میشود:

در ذیل نامههای بشماره ۷ چنین می نویسد: ^{۲۶}

« بنده زبانی شما را نمیدانم اگر تقصیری شده است از بنده نیست. »
 « و درینجا هرچکه نوشته اند بنده درگاه موسی غلام خاصه شریف زبان نمیداند
 اگر تقصیری در نوشتن شده باشد معزو (معذور) فرمایند امضا موسی. »
 « بخدمت وزرا و ارکانی دولت جماعت اولنده (هلند) معلوم باشد که سخن بسیار است و بنده و ایشان زبان نمیدانیم که خود گفته و جواب بگیریم و نمیدانیم
 که آنچه ما گفته ایم همانرا نوشته است یا هرچکه بخاطرش رسیده است

25—Arch. des Etats-Généraux, Document secret No. 1.

۲۶- در آرشیو لاهه، که شخصاً از آنجا دیدن کردم، راجع به ایران اسناد بسیاری موجود است که تماماً بزبان هلندی قدیم است که حتی فهم آن برای هلندیهای امروزه نیز بسیار دشوار است. برای نمونه چند فقره از آن اسناد را ضمن این مقاله منتشر می نمایم، امیدوارم بتوانم بافرصت کافی روزی اسناد مزبور را بوسایل ممکنه ترجمه کرده در دسترس بگذارم.

نوشته است العبدالعقل (الاقبل) موسی غلام خاصه الشریفه زیاده سرورودعا «
 و هرچکه نوشته اند بنده زبان نمیداند که بدانیم چه نوشته اند و اگر تقصیری
 در نوشتن باشد معزور (معذور) فرمایند امضا موسی.»

قطر ذیل یکی از نامه‌ها مطالبی به اینقرار نوشته که میرساند شاید تا
 اندازه‌ای مضمون نامه را درک کرده است «بخدمت وزرا و دیوان عالی اولنده
 معلوم باشد که چند سوداگری نواب اشراف اقدس همیون درینجا و در مصروم
 (آمستردام) هست و می‌خواهند که خرید و فروخت نمایند و خرجی کمراک و
 کشتی را میدهند اگر مکزاید و بیاس میرید (؟) حکم نوشته بودند که
 ایشان خرید نمایند اگر نه از انگلیس نوشته اند که شمارا خواهم بردو دعا»
 موسی بیک چون از گرفتن نتیجه مایوس شد و نتوانست پیشنهادات
 پادشاه خود را بمجلس طبقاتی و زمامداران هلندی بقبولاند در ۱۲
 مارس ۱۶۲۷ بهمرای ژان پی برز کوئن^{۲۷} حکمران باتاویا بصوب
 ایران عزیمت کرد.

مجلس طبقاتی پس از عزیمت سفیر ایران نامه‌ای در پاسخ پیشنهادات دولت
 ایران در تاریخ ۲۶ سپتامبر ۱۶۲۷ بدربار اصفهان فرستاد که خلاصه آن باین
 قرار است.^{۲۸}

«... دربارۀ پیشنهادات سفیر آن اعلیحضرت متذکر میشود :

«در خصوص فراخواندن نمایندگان هلندی از ترکیه و اطمینان به افتتاح
 مناسبات بازرگانی بادولت اعلیحضرت باید بعرض اعلیحضرت برسائیم که
 نمایندگان و مأموران هلندی در شهرهای ترکیه بخرج شرکتهای بازرگانی
 خصوصی میباشند و مأموریت آنان منحصرأ دفاع از اتباع هلندی است که

27— Jan Pieberz Coen.

28—Dunlop (H.) Hist. de la compagnie des Indes Orientales en
 Perse _ t. 72. p. 707-708.

به اسارت دزدان ترك درآمده اند. کنسولها و بازرگانان هرزمان که تشخیص بدهند میتوانند آزادانه در قلمرو حکومت اعلیحضرت بداد و ستم مشغول شوند و از مراحم ملوکانه برخوردار گردند با طیب خاطر باین کار اقدام خواهند کرد.

«در موضوع جنگ علیه پرتغالیها از حسن نیت آن اعلیحضرت بسیار مسرور و خوشوقتیم زیرا مدت پنجاه سال است که ما با این دشمن عمومی در جنگ و ستیز هستیم. بادر نظر گرفتن حسن نیت شاهانه بزودی سفیری بدربار اعلیحضرت اعزام میداریم و وی را مأمور میکنیم که در این مورد وارد مذاکره شده آنچه را که قدرت نظامی ما در هندوستان اجازه میدهد در اختیار شما خواهیم گذاشت. در خلال این مدت به حکمران هندوستان دستور داده ایم بوسیله ناوگانی که مأمور خدمت میان هندوستان و خلیج فارس هستند اسباب مزاحمت پرتغالیها را فراهم سازد...»

شاه عباس پس از مدتی انتظار چون از اعزام سفیری که مجلس طبقاتی در نامه جوابیه خود وعده داده بود خبری ندید نامه ای به این مضمون فرستاد^{۲۹} که خلاصه آنرا متذکر میشود:

« نظاماً للسلطنته والشو کته والنصفه والعظمة والابهته والاقبال پادشاه اندیس^{۳۰}.. بعد هذا مرفوع رأی محبت اقتضا میگردد اند که چون میان ما و حضرات سلاطین عظام عیسویه و پادشاهان رفیع مقام فرنگیه رابطه دوستی و وداد و ضابطه مصادقت واتحاد مرعی و ابواب آمد و شد و رسل و رسایل مفتوح است

۲۹- این نامه یکبار در کتاب یکصد و پنجاه سند تاریخی ص ۳۱-۳۲ از انتشارات برای بار دیگر به انتشار قسمتی از آن مبادرت میورزد.

۳۰- چنانکه در مقدمه تاریخی متذکر شد در تشکیلات مملکتی هلند مقام سلطنت وجود نداشت، مجلس طبقاتی و مقام استاد هودری جانشین مقام سلطنت بوده اند. البته دربار اصفهان از این موضوع بی اطلاع بوده است.

همیشه مترصد آن بودیم که از جانب آنحضرت نیز اینقاعدہ مرعی بوده آثار یکانکی واتحاد بظهور آید. درینمدت برحسب تقدیر ایزدی اینصورت وقوع نیافت و کسی از جانب عالی بدین دیار نیامد درین اوقات که رافع مکتوب محبت اسلوب آمده (منظورنامه جوابیه مجلس طبقاتی است) بملازمت اشرف رسید و از حقایق حالات ایشان اطلاع حاصل شد موجب انواع مسرت و شادگامی و انبساط خاطر مہراگین گردید و فرستادہ آن سلطنت عظمت پناہ نیز از اوضاع و اطوار این دیار استحضار یافتنہ مراجعت نمود وظیفہ محبت و دوستی آنست کہ بعد از این برخلاف سابق این شیوہ مرضیہ را منظور داشته ابواب الفت و آشنائی مفتوح دارند و قواعد مصادقت و دوستی را بتواتر مکتوب ہودت آمیز و مراسلات الفت انگیز استحکام دادہ اصلاً تجویز مغایرت و بیگانگی نفرمایند و ملازمان عالی و مردم مملکت خسود را مقرر دارند کہ بفراغ خاطر و اطمینان قلب بدینولایت آمدہ بہر طریق خواهند خرید و فروخت و داد و ستد نمایند و بہر نوع رضا و ارادہ داشته باشند سلوک کنند کہ احدی رادر قلمرو ہمایون قدرت بر ممانعت ایشان نخواہد بود و از امتنع و اجناس این دیار را آنچه مردم ایشان خواهند و ارادہ نمایند اول ایشان خرید و فروخت نمودہ ببقضاء الہی مقضی المرام و آسودہ حال مراجعت کنند و نوعی فرمایند کہ روز بروز فیما بین قواعد محبت و آشنائی مستحکم گشتہ شیوہ مصادقت و دوستی ازدیاد پذیرد...»^{۳۱}

برحسب تمایل شاہنشاه ایران مجلس طبقاتی فرمانروای باتاویا را مأمور کرد کہ سفیری بدربار اصفہان بفرستد. فرمانروای باتاویا ہم ژان -

31- Arch. des Et.-Généraux. Doc. secret. Perse. No. 1.

اسمیت را برای این مهم انتخاب کرد و بادستورات لازم بایران فرستاد . اسمیت بهمراهی موسی بیگ که در سورات (درهندوستان) منتظر ورود سفیر هلند بود در تاریخ ۱۲ مه ۱۶۲۹ (۱۰۳۹ هجری قمری) وارد اصفهان شد در حالیکه سه ماه از مرگ شاه عباس می گذشت.

مأموریت موسی بیگ از بدو ورود به لاهه تا رسیدن او باصفهان مدت سه سال بطول انجامید بهعللی که در فوق ذکر شد به نتیجه مطلوبی که شاهنشاه ایران از آن انتظار داشت مخصوصاً کمک به طرد قطعی اسپانیاییها و پرتغالیها از خلیج فارس و لطمه زدن به بازرگانی و اقتصادی عثمانی، نرسید. ضمناً از ذکر این نکته ناگزیر است که عدم اطلاع موسی بیگ باوضاع سیاسی آن زمان و مخصوصاً بی سوادى و بی تجربگی او در امر خطیری که بوی او گذار شده بود عامل مؤثر برای این عدم موفقیت بود. ولی در مقابل هلندیها از آن استفاده های زیاد برده موفق شدند وضع بازرگانی خود را در ایران با انعقاد معاهدات و گرفتن امتیازات مهمی در خصوص آزادی تجارت و ایجاد پایگاههای بازرگانی اصفهان و بنادر و جزایر خلیج فارس و رقابت شدید با اسپانیاییها و بخصوص با انگلیسها، مستحکم نموده تا مدتها نفوذ خود را در آبهای اقیانوس هند و اطراف آن محرز و تثبیت نمایند. ۳۲

در شماره بعد کوشش خواهیم کرد دنباله این بحث را بگیریم.

علاوه بر منابع مذکور در ذیل صفحات این مقاله از کتابهای ذیل استفاده شده است.

Les relations de l'Iran avec l'Europe occidentale a l'epoque Safavide . p.Kh. Bayani. Paris 1937

۳۲ - تاریخ عمومی (تفوق و برتری اسپانیا) تألیف دکتر خانبا با بیانی . جلد اول و دوم . چاپ دانشگاه تهران .



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی

پرتال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرنال جامع علوم انسانی



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علمون انساني



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرنال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرنال جامع علوم انسانی



پروفیسر شگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرنال جامع علوم انسانی



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علمون انساني



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی